بسم الله الرحمن الرحیم

خبر واحد

بحث انسداد

تنبیهات انسداد

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و هفتادم\_22 اردیبهشت 1400

[شیخ انصاری: فرق نهادن بین دو دسته مسائل اول دین فی غایة الاشکال]

در جلسات گذشته به این نکته اشاره کردیم که اصول اعتقادات ما بر دو قسم تقسیم می شود. ما مسامحة از بعضی تعبیر کردیم به اصول اصول الدین و از بعضی تعبیر به فروع اصول الدین کردیم.

فرقی که بین این دو قسم تاکنون بیان کردیم که بعضی از مسائل اعتقادی تحصیل علم نسبت به آنها واجب است و برخی واجب نیست.

شیخنا العلامه می فرماید فرق گذاشتن بین این دو قسم و تمیز دادن ما یجب تحصیل العلم به اما لا یجب، این تمیز دادن، فرق نهادن فی غایة الاشکال است.

[کلام علامۀ حلی]

به عنوان نمونه مرحوم علامۀ حلی رضوان الله تعالی علیه در اول باب حادی عشر، می فرماید **اجمع العلماء کافة علی وجوب معرفة الله تعالی و صفاته الثبوتیه و السلبیه و ما یصح علیه و ما یمتنع عنه**، شاید این عطف تفسیریه باشد بر ثبوتیه و سلبیه. **و النبوة و الامامة و المعاد بالدلیل لا بالتقلید فلابد من ذکر ما لا یمکن جهله علی احد من المسلمین و من جهل شیئا من ذلک خرج عن ربقة المؤمنین و استحق العقاب الدائم.**

خب این اموری که بیان کردید و در کتاب مفصلا توضیح می دهد عبارت است از تفاصیل و توحید و نبوت و امامت و معاد، این ها را جزء امور لازم و حتمی دانسته است که انسان به ان ها عالم شود ان هم عن نظر واستدلال لا عن تقلید و هر کس که چنین مسیری را طی نکند و از راه نظر و استدلال در این تفاصیل توحید و نبوت و امامت و معاد وارد نشود، از گروه مؤمنان خارج است و مستحق عذاب دائم.

[اشکال شیخ به کلام علامه حلی]

شیخنا العلامة قدس الله نفسه الزکیه به مرحوم علامۀ حلی اشکال می کند که این سخن فی غایة الاشکال است چه دلیل داریم که هر کسی با هر اندازه از فهم و درک و شغل و زندگی، در تفاصیل توحید و نبوت، امامت و معاد، اموری که شما بیان کردید در کتاب­تان لازم باشد تحصیل علم در آنها.

[استدراک شیخ]

بعد مرحوم شیخ می فرماید بله با توجه به شواهدی که ذکر خواهم کرد، معرفة الله جل ذکره و معرفة النبی صلی الله علیه و آله و سلم و معرفة امام سلام الله علیه و معرفة ما جاء به النبی صلی الله علیه و آله و سلم بر هر قادری که یتمکن من تحصیل العلم واجب است، استدراک می کند شیخ انصاری از آن سخن اولیه که اعتراض به علامۀ حلی بود می فرماید شواهدی داریم که در این امور یاد شده فحض و جستوجو و کسب معرفت لازم است. و اما ان شواهد:

1. عموم آیات و روایاتی که می گوید معرفت پیدا کردن واجب است مثل این آیۀ کریمه **و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون،** البته با توجه به تفسیری که از عبادت در روایات آمده است **ای لیعرفون**، و نیز مثل این روایت **ما اعلم شیئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلوات الخمس**. من بعد از معرفة به خداوند متعال بهتر از این نماز های 5گانه نمی­شناسم. با این تقریب که وقتی چیزی از یک واجبی خصوصا واجب مهمی مثل نماز افضل شد، این افضلیت از واجب، خصوصا نسبت به نماز، لازمه­اش وجوب است، پس خود معرفت مانند نماز، بلکه بالاتر از نماز واجب می شود.

پس با توجه به عمومات وجود معرفت، می گوییم معرفة الله و معرفة رسوله و معرفة ما جاء به الرسول و معرفة الامام بر قادر واجب است،

1. عموماتی که دلالت می کند بر وجوب تفقه در دین. چون کلمۀ دین آمده است، شامل همۀ معارف دینی هم از اصول اعتقادات می شود و قرینۀ بر این تعمیم این که امام به همین آیه که آیۀ نفر باشد، تمسک می کند، برای وجوب نفر لمعرفة الامام بعد موت الامام السابق.

پس اولا با توجه به عمومات وجوب معرفت، ثانیا باتوجه به عمومات وجوب تفقه در دین

1. با توجه به عمومات طلب علم و روایاتی که در کافی و غیر کافر در تشویق کردن به طلب علم آمده است.

با توجه به این سه عمومات می گوییم معرفة الله، معرفة الله النبی، معرفة ما جاء به النبی و معرفة الامام لازم است، البته معلوم است که شرط لزوم این معرفة قدرت داشتن و متمکن بودن از تحصیل علم است، حال که با توجه به این سه دسته از عمومات، هر قادر متمکن از تحصیل علم، لازم است به دنبال معرفة خدا و رسول و امام برود، فیجب الفحص حتی یحصل الیأس، باید جستوگر باشد تا وقتی که به نابودی برسد، یعنی یا به مقصود خودش که معرفة است برسد یا پس از فحص ناامید شود، لذا فان حصل العلم بشیء من هذه التفاصیل اعتقد و تدین.

اگر بعد الفحص و التحقیق علم به تفاصیل این معارف دینی پیدا کرد، لازم است به آن چه علم دارد، معتقد شود، باور کند، و تدین داشته باشد و این تدین خود را هم به نحوی ابراز کند، اگر علم حاصل شد **و الا توقف و لم یتدین بالظن لو حصل له**. اگر تحقیق کرد به نتیجۀ علمی و یقینی نرسید فقط برای او ظنی حاصل شد، در اثر این ظن تدین و اعتقاد لازم نیست، اگر علم حاصل شد، تدین و اعتقاد لازم خواهد شد، ولی برود تحقیق کند نه این که برود بشیند در منزل بگوید نمی دانم پس متوقف می­شوم، توقف پیش از علم و پیش از یأس، نه. توقف پس از تحصیل علم و یأس آری.

این استدراک شیخ علامه ما است از مطلبی که به عنوان تعلیقه بر فرمایش علامه بیان کرد. در ادامه تأییدا لاین مطلب می گوید حالا که تحصیل علوم اعتقادی و معارف دینی لازم شد، حال که اشتغال به علم متکفله معرفة خدا و معرفة اولیا خدا، صلوات الله علیهم لازم شد، پس اشتغال به این علوم، از اشتغال به مسائل عملیه و فرعیه رفتن اولی است،

اگر می خواهید دنبال تحصیل علم بروید، پیش از این که سراغ مسائل فرعیۀ عملیه بروی، اهم مسائل اعتقادیه است، که لا عن تقلید بل عن علم و اجتهاد آنها را فرا بگیرید، نه تنها اعم است بلکه متعین است چرا؟ چون بالاخره در فروع دین مشکلی ندارد تو مقلد باشی. نهایتا تفقه در فروع دین وجوب کفایی دارد ولی یادگرفتن معارف دین از اصول اعتقادات وجوب عینی دارد، و معلوم است اهمیت وجوب عینی بر وجوب کافیی. پس اذا دار الامر بین این که من مسائل فرعیۀ عملیه را تحصیل علم کنم یا مسائل اعتقادیه را، نه تنها اعتقادیه اهم است، بلکه تعین دارد.

تا این جا تقویت شد، این که ما به نحوی به وجوب معرفة قائل شویم اما از این جا به بعد با یک هذاو لمن الانصاف مرحوم شیخ ورق را بر می گرداند، بماند ان شاء الله برای جلسۀ آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.